

فال حافظ و کارکردهای اجتماعی آن

دکتر مریم محمودی^۱، دکتر ابراهیم انصاری^۲

دکتر اصغر محمدی^۳



تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۱

چکیده

فال خوانی از دیوان حافظ به عنوان یک رفتار خاص اجتماعی است که در دانش عامیانه یا فولکلور قابل طرح و بررسی است. این سنت اجتماعی در زمانها و مکانهای مختلف به شکل‌های متفاوتی جلوه‌گر شده است که در همه موارد حکایت از نیاز انسان به دانستن آینده‌ی مبهم خود دارد. تفال به دیوان حافظ به مثابه یک عنصر فرهنگی نقش مهمی در تلطیف روان فردی و اجتماعی ایفا می‌کند و در واقع از جمله اندوخته‌ها و امکانات و نهادهای فرهنگی است که ریشه در قرن‌ها زندگی مادی و معنوی ایرانیان دارد و توسل به آن در غلبه بر فشارهای روحی و روانی موثر است و به سلامت جامعه کمک می‌کند. برخی از کارکردهای تفال به دیوان حافظ عبارتند از: آرام بخشی، بهبود روحیه‌ی فردی و اجتماعی، کاهش و تسکین آشتگی‌های روحی و اختلافات جمعی و آینده نگری (پیشگویی). روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و برگرفته شده از روش هرمونتیک ویلهام دیلتای و ماکس وبر است. ابزار جمع آوری اطلاعات تکنیک استنادی (بدون عکس العمل) شامل دیوان حافظ و دیگر آثار مرتبط با آن می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تفال به دیوان حافظ به مثابه نمونه‌ای از عوامل فرهنگی، اجتماعی موثر در تنظیم و تعامل روانی - اجتماعی انسان‌ها در تأمین سلامت روانی افراد جامعه موثر است.

کلید واژه: حافظ، کارکرد اجتماعی، روح و روان، جامعه، فال خوانی.

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، دهاقان، ایران. m.mahmoodi75@yahoo.com

۲- دانشیار جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، دهاقان، ایران. e.ansari29@yahoo.com

۳- استادیار جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، دهاقان، ایران. asghar.mo.de@gmail.com

۱. مقدمه

نفوذ بینش جامعه‌شناسی در زمینه‌های مختلف زندگی انسان از اوآخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم به طور عمیق و گسترده آغاز و منجر به پیدایش شاخه‌های مختلف جامعه‌شناسی از جمله جامعه‌شناسی روستاوی، جامعه‌شناسی خانواده، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات و نظایر آن گردید. «حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی مانند جامعه‌شناسی دین، جامعه‌شناسی علم و جامعه‌شناسی هنر محصول تاملات جامعه‌شناسانه انسان قرن بیستم در حوزه‌ی فرهنگ است که هر کدام از آنها به صورت یک نظام علمی با موضوع، هدف و روش‌های آن شناخته شده‌اند و مجموعه‌ی آن‌ها نظام گسترده‌تری به نام جامعه‌شناسی فرهنگ "sociology of culture" را تشکیل می‌دهند (فاضلی، ۱۳۷۲: ۱۰۹)». در این مقاله یکی از زیر مجموعه‌های جامعه‌شناسی فرهنگ یعنی جامعه‌شناسی ادبیات و به تعبیر دقیق‌تر جامعه‌شناسی ادبی یا جامعه‌شناسی در ادبیات بررسی و کارکرد اجتماعی فال حافظ تبیین می‌شود.

جامعه‌شناسی ادبیات "sociology literature" به مثابه شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی است که ساخت و کارکرد اجتماعی ادبیات و رابطه‌ی میان جامعه و ادبیات را بررسی می‌کند و مخصوصاً به موضوعاتی که در قلمرو ادبیات دارای جنبه کمی و مادی هستند می‌پردازد. اما جامعه‌شناسی در ادبیات یا جامعه‌شناسی متون ادبی "sociological literature" از روش‌های علوم ادبیات "science of literature" است؛ یعنی روشی انتقادی که به متن (از سخن تا معناشناسی) و به معنای آن توجه دارد. «این رشتہ که به متن روی می‌آورد و با توجه به پدیده‌های اجتماعی مانند ساختار ذهنی و شکلهای آگاهی، در پی گسترش درک متن است، در پیشرفت خود از ادبیات تطبیقی به جامعه‌شناسی و جهان نگری‌ها گذر می‌کند...» (پوینده، ۱۳۷۷: ۸۲).

به نظر لوسین گلدمان از دیدگاه جامعه‌شناسی متون ادبی هر اثر دارای چهار

مشخصه‌ی اصلی است:

- منش دقیقاً منسجم آن که هم ارز مسائل اجتماعی زمانه است.
 - غنای آن که به حداقل آگاهی ممکن نویسنده مربوط می‌شود.
 - منش واقعی یا ممکن مجموعه عناصری که اثر را تشکیل می‌دهد. پس اگر دنیای نویسنده شبیه واقعیت زمانه ای او نیست آرزوی گروه او را وصف می‌کند.
 - منش غیر فلسفی اثر، چون هر اثر ارجمند راههای عملی نشان می‌دهد و به صورت مفاهیم فلسفی بیان می‌شود» (فاضلی، ۱۳۷۴: ۱۲۰).

بنابراین جامعه‌شناسی ادبی یا جامعه‌شناسی در ادبیات روشی مربوط به علم ادبیات یا علم تاریخی - جامعه‌شناسی ادبیات می‌شود که در پی آن است تا بازتاب ویژگی‌های اجتماعی هر دوره‌ی تاریخی را در آثار ادبی بررسی کند. البته در این بررسی آثاری در خور دقت و تأملند که به درستی تصویرگر محیط پیرامون خالق آثر باشند. بدیهی است اثربخشی از محیط و تاثیر شرایط محیطی بر آثار ادبی همیشه و برای همه یکسان نیست. «این تاثیر ممکن است به صورتهای گوناگون درآید از سازگاری گرفته تا رد و شورش یا ترکیبی از اندیشه‌های برگرفته از این محیط و محیطی دیگر و غیره» (گلدمان، ۱۳۷۶: ۲۴۹).

البته این بدان معنا نیست که آثار ادبی به شکل تام باید بازتاب اوضاع اجتماعی زمان خود باشند. «نقل هنری شرایط و اوضاع با نقل تاریخی آنها متفاوت است. تاریخ نگار آنچه را که می‌بیند یا از طریق مطالعه در می‌باید به گونه‌ای صریح و گاه با تحلیل‌هایی که برخاسته از تجربیات و نگرشهای تخصصی است بیان می‌دارد... بر عکس هنرمند در خلق آثار خود احساسات خویش را بکار می‌گیرد و این احساس می‌تواند تحت تاثیر عواملی گوناگون و از جمله تحت تاثیر آن فضای اجتماعی - سیاسی و دیگر شرایطی قرار گیرد که وی را در خود گرفته است» (وحیدا، ۱۳۸۷: ۴۷).

۱-۱- بیان مساله، اهمیت و اهداف آن:

با مطالعه‌ی ژرفانگر و علمی در برخی از آثار ادبی و نظری از جمله دیوان حافظ می‌توان دریافت که بسیاری از متون نثر و نظم در ادب فارسی صرفاً دارای آثار و کارکردهای ادبی، ذوقی و هنری نبوده بلکه در بسیاری از موارد آثار و کارکردهای اجتماعی، فرهنگی، شخصی و... نیز داشته‌اند و این موضوع در اشعار حافظ به وضوح مشهود است.

بسیاری از مردم با نگرشی فال‌گرایانه به دیوان حافظ رجوع می‌کنند و شعر او را با مسائل اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی پیوند می‌زنند. با توجه با آنچه گذشت سوال اصلی این پژوهش این است:

کارکردهای اجتماعی فال حافظ چیست؟

موضوع مذکور بنا به دلایل زیر دارای اهمیت است:

نخست: دیوان حافظ یکی از با ارزشترین آثار در ادبیات و سایر حوزه‌ها مانند جامعه شناسی ادبیات است.

دوم: مبحث فال و فال‌خوانی در حوزه‌ی ادبیات و جامعه‌شناسی ادبیات قابل طرح و بررسی است.

سوم: بررسی‌های مقدماتی نشان می‌دهد که فال حافظ در لایه‌ها و اقساط مختلف جامعه دارای کارکردهای فراغتی، مذهبی، ملی و ... است.

۱-۲- روش تحقیق:

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و برگرفته شده از روش هرمونتیک ویلهام دیلتای و ماکس وبر است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات تکنیک اسنادی (بدون عکس‌العمل) شامل دیوان حافظ و دیگر آثار مرتبط با آن می‌شود.

۱-۳- پیشینه‌ی پژوهش:

هرچند در زمینه‌ی تفال به دیوان حافظ آن تاکنون تحقیقاتی صورت گرفته اما

در زمینه‌ی موضوع مورد بحث این نوشتار، پژوهشی انجام نشده است. از مهمترین پژوهش‌هایی که به بحث تفال در دیوان حافظ پرداخته‌اند موارد زیر شایسته‌ی ذکرند: کتاب "باورهای عامیانه درباره فال حافظ" اثر محمود روح‌الامینی

کتاب "الهاماتی از خواجه حافظ" اثر محمد وجدانی

۲- تفال و طالع‌بینی :

آگاهی از سرنوشت و آینده‌ی مبهم و همت گماشتن و توجه به دانستن فرجام کارها از خصوصیات روحی نوع بشر و خواسته‌ی همیشگی او بوده و برای تحقیق این خواسته به وسایل مختلف متولّ شده و راه‌های گوناگونی را پیموده است. فال زدن از جمله این راه‌هاست. به گمان برخی تفال یا فال زدن راهیابی به دنیای مبهم آینده را میسر می‌کند. در تعریف آن گفته شده «فال عبارت است از نیک و بد و سود و زیانی که وقوعش از شنیدن سخن یا آواز یا از دیدن حرکت یا هیات و یا گشودن و خواندن کتاب و یا ملاحظه‌ی نقوش و اوراقی مخصوص پیش‌بینی می‌شود» (وجدانی، ۱۳۵۱: ۱۰)

اعتقاد به غیب‌گویی و پیش‌بینی از دیر باز در بین مردم جهان و از جمله ایرانیان رواج داشته، در ادبیات فارسی نمونه‌هایی از این اعتقادات منعکس شده است. به عقیده‌ی فرخی سیستانی خداوند کار عالم را براساس فال بنا نهاده است.

خاصه فالی که زند چاکر و چون من چاکر
کار گیتی همه بر فال نهاده است خدای
(فرخی سیستانی، ۱۳۵۵: ۱۷۳)

توصیه به فال گرفتن نیز شاید براساس همین عقیده است:

کاری که کنی به فال نیکو کن
جایی که روی به بخت میمون رو
(قطران تبریزی، ۱۳۶۲: ۳۵۶)

البته این اعتقاد نزد همه پسندیده و ممدوح نیست، سنایی بر این باور است که:
سخن فال گون ندارد سود
باد پیمود کاسمان پیمود

نیست الا به قدرت یزدان
بی‌قضا خلق یک نفس نزند
نیک و بد در طبایع گردان
مرد عاقل چنین جرس نزند
(سنایی، ۱۳۷۷: ۷۰۴)

و نظامی پناه بردن به فال و استمداد از آن را نشانه عجز آدمی می‌داند:

چو عاجز شود مرد چاره سگال
کلید آرد از ریگ و سنگی به چنگ
ز بیچارگی در گریزد به فال
که آهن بسی خیزد از ریگ و سنگ
(نظمی، ۱۳۷۸: ۱۰۳۶)

عنصری نیز شرط بی‌نیازی از فال و فالگیری را این‌مان بودن شخص بر هنرمند می‌داند:
چو مرد بر هنر خویش ایمنی دارد
نه رهنمای به کار آیدش نه اخترگر
رود به دیده دشمن به جستن پیکار
نه فالگیر به کار آیدش نه خوابگزار
(عنصری، ۱۳۴۱: ۱۰۸)

مردم در طول تاریخ هر نشانه‌ای را که می‌توانسته با دنیا غیب ارتباط داشته باشد
منشا فال می‌دانسته‌اند از قبیل حیوانات و پرنده‌گان، اعضاء و احشاء قربانی، اختلاج،
حالات و رفتار انسانی و... فال کتاب نیز یکی از روش‌های تفال بوده است. از دیرباز
تفال زدن با هر کتابی معمول بوده است و ظاهرا فال زدن به کتاب و دیدن صفحه
راست در سده‌های نخستین اسلامی رواج داشته است. از جمله کتابهایی که بیشتر در
تفال از آن استفاده می‌شده قرآن، کتاب مشایخ، شاهنامه، مشنوی و دیوان حافظ است.
صاحب جواهر تفال به غیر قرآن را اگر منجر به صدور حکم قطعی و جز می‌نشود
جایز می‌داند. (نجفی، بی‌تا: ۱۳۷)

فال قران یا استخاره از مضامینی است که در شعر فارسی بسیار استفاده شده است:
ز بهر روی تو فالی گرفتم از مصحف
برآمد آیت طوبی لهم و حسن مآب
(امیر معزی، ۱۳۶۲: ۸۵)

مژده ای تاجور که ینصرک الله فال تو از مصحف دوام برآمد

(خاقانی، ۱۳۸۲: ۱۴۵)

مگر وقت وفا پروردن آمد که فالم لا تذرنى فردا آمد

(حافظ، ۱۳۷۰: ۳۵۴)

البته درباره‌ی جواز یا عدم جواز تفأل به قرآن نظرات متفاوتی ارائه شده که مجال

پرداختن به آن نیست از جمله گفته شده که «جماعتی منع کرده‌اند از مصحف فال

گرفتن زیرا که احکام حق تعالی همه صدق و حق است» (یوقايت‌العلوم، ۱۳۴۵: ۱۱۰).

اما در بین کتاب‌های دیگر دیوان حافظ شهرتی بیشتر حاصل کرده است. این

دیوان آنقدر زمینه‌ی مناسب و مضامین شعری قابل تعییر برای فال دارد که روزگاری

است جای هر کتاب دیگری را گرفته و تنها این گونه فال از دیوان حافظ گشوده

می‌شود. مشابه فال کتاب و بخصوص فال حافظ در بین اقوام و ملل دیگر نیز مرسوم

بوده «بطوری که یونانی‌ها و رومی‌ها این نوع را از کتاب هومر یا ویرژیل می‌گشوده‌اند

و آن را فال هومر و یا فال ویرژیل می‌نامیده‌اند» (زرین کوب، ۱۳۷۹: ۲۷۰).

۳- اوضاع و احوال اجتماعی، سیاسی عصر حافظ

ذکر شرایط سیاسی و اجتماعی زمان حافظ از این نظر لازم است که شعر او آیینه‌ی

تمام‌نمای زمانه و عصر اوست. در ادبیات فارسی هرگاه سخن از ارتباط هنر و ادبیات

با شرایط اجتماعی و ادبیات ملتزم و متعهد باشد نام حافظ در ذهن تداعی می‌شود.

شیراز در عصر حافظ اوضاع و احوال یکسانی نداشت. دوره‌ی جوانی حافظ با

حکومت شاه ابو اسحاق اینجو هم‌زمان بود. جوانی و بی‌باقی و عیاشی و بی‌خیالی

او را محبوب همگان کرده بود بطوری که شاعران عصر، شیراز را بهشت روی زمین

می‌نامیدند و از همه جای شهر نوای طرب و عشرت رندان به گوش می‌رسید. حافظ

نیز بی‌نصیب از شاعر نوازی‌های این شاه و وزیرش قوام الدین حسن (جاجی قوام)

نیود. این سلطنت بی‌دوان که در دوره‌های بعد همگان آرزوی بازگشتش را داشتند دوره‌ی طلایی اهل ذوق و اندیشه به شمار می‌آمد. دوره‌ای که نفوذ علماء و زهاد آزادی عمل مردم را محدود نمی‌کرد. اما افسوس که این دولت مستعجل به زودی به سرآمد و دوره‌ی سخت و سرد حکومت امیر مبارزالدین محمد آغاز شد. حاکمی که با سختگیری‌های خود شایسته‌ی لقب محتسب شده بود. حافظ بروشنا در شعر خود سالهای سیاه و وحشت‌آور این حکومت را ترسیم می‌کند. او خود را در پس چهره‌ی اسطوره‌ای شعرش، رند، پنهان می‌کند تا از محتسب و شحنه در امان باشد زیرا نمی‌تواند تسليم کسانی شود که قدرت را وسیله‌ای برای خفه کردن وجود و دین را دامی برای عوام فربی ساخته‌اند. لحن طنزآمیز کلام او نیز برخاسته از تناقض و تضادی است که در اطرافش می‌گذرد. «جامعه‌ی عصر حافظ یکی از بهترین نمونه‌های شکل‌گیری تناقض در ساخت جامعه است و شاید به عنوان نمونه رفتار امیر مبارزالدین را بتوان از بهترین نمونه‌های تجسس این تناقض در بافت جامعه دانست. وقتی این تناقض‌ها با برخوردي هنری چه از سوی عوام و چه از سوی خواص تصویر شود طنز به معنی دقیق کلمه آشکار می‌شود» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۳۰۹).

بعد از امیر مبارزالدین محمد پسرش، شاه شجاع جانشین او شد. او با آن که از فضل و ادب بی‌بهره بود اما به عربی و فارسی شعر می‌سرود. در زمان حکومتش شیراز فر و شکوهی دوباره یافت و اهل علم و فضل آسودگی خاطر یافتند. پس از شاه شجاع، شاه منصور و سپس امیر تیمور به حاکمیت شیراز نائل شدند.

حافظ همه‌ی این حكام و اعمال آنها را از نزدیک دیده و تاثیر اعمالشان را در جامعه مشاهده کرده بود و با اوضاع و احوال آنها آشنایی کامل داشت. سه گروه عمدی اجتماعی با احوال و افکار و رفتار خاصشان بخوبی در شعر حافظ ترسیم شده‌اند. گروه اول حاکمان خودکامه که گاه با رفتاری محتاطانه و به ظاهر مردمدارانه و گاه

مستبدانه و ستمگرانه نمایان می‌شوند. گروه دوم علماء، زهاد و قفقها هستند که چهره‌ای خوشایند از آنها ترسیم نشده است. گروه سوم صوفیان و درویشان و عارفانند که گاه در اوج و گاه در حضیضند. «حافظ علاوه بر فضل و علمی که داشته از هوش و فکر دقیقی برخوردار بوده و حوادث را درست تحلیل می‌کرده و از همه مهمتر در زمان و در میان جامعه خود زندگی می‌نموده لهذا ریشه‌های حوادث ایام، اعمال قدرتمندان و تغییرات و تبدلات جامعه و عوض و بدل شدن اخلاق عمومی و رفتارهای فردی و روحیات و کیفیات نفسانی مردم، همه و همه را خوب می‌شناخته و با تعبیرات عارفانه‌ی خود به زبان شعر بیان می‌کرده است» (سمیعی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۳۳).

۴- کارکدهای اجتماعی، فال حافظ

از منظر نظریه‌ی کارکردگرایی و بسیاری از جامعه شناسان کارکردگرا از جمله رابرт مرتن پدیده‌های اجتماعی و بالطبع ادبی دارای کارکردهای متعدد آشکار و پنهان و پا مشیت و منفی هستند. (ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۴۴)

تفأّل به دیوان حافظ یک سنت دیرینه و یک پدیده اجتماعی فرآگیر در بین ایرانیان است. این عمل را «باید از مراسم گروهی و جمیع شمرد به این معنی که در موقعیت‌هایی چون چهارشنبه سوری، چهارشنبه آخر صفر، شب یلدا، تیر ماه سیزده شو و شب نشینی‌های خانوادگی و دوستانه است که معمولاً از فال خوانی استقبال می‌شود در این گونه مجلس‌ها و مناسبت‌ها تنها صاحب فال نیست که با علاقمندی به فال خوان گوش می‌سپرد بلکه حاضران نیز با کنجکاوی سعی می‌کنند حلس بزنند که نیت صاحب فال چه بوده و با شنیدن غزل استنباط خود را که تصدیق خوب بودن فال است اظهار می‌دارند» (روح الامنه، ۱۳۶۹: ۳۷).

ای اینان به هنگام فال زدن، دیوان حافظ را در دست می‌گیرند و به بیان این جملات

و یا جملاتی از این دست می‌پردازند: ای حافظ شیرازی، تو کاشف هر رازی، ما طالب یک فالیم، بر ما بنما رازی. عده‌ای هم می‌گویند: حافظ ای حافظ شیرازی، بر من نظر اندازی، من طالب یک رازم، تو کاشف هر فالی به شاخه نبات قسم می‌دهم به قرآنی که در سینه داری، این فال مرا بگشای. گاهی می‌گویند: ای حافظ شیرازی، تو کاشف هر رازی، به حق شاخ نبات، به حق جام شرابت منظور خودت را از مراد ما بیان کن. بعد انگشت خود را لای دیوان می‌گذارند و باز می‌کنند. غزلی را که در صفحه سمت راست قرار دارد می‌خوانند و تفسیر می‌کنند. اگر مضمون غزل مثبت باشد فال را خوب و گرنه آن را بد می‌دانند.

در جامعه معاصر نیز تحت تاثیر عوامل متعدد از قبیل مشکلات خانوادگی، مشکلات اقتصادی و فرهنگی، مشکلات روحی و جسمی گرایش به فال و فال خوانی تا حد زیادی گسترش یافته است.

انواع کارکردهای اجتماعی فال حافظ به قرار زیر است:

۴-۱- آرامش بخشی:

از دیدگاه جامعه‌شناسی، در جوامع مختلف نمی‌توان سنت‌ها، مراسم و آداب و مناسکی را مشاهده کرد که کارکرد اجتماعی نداشته باشد و در کم کردن فشارها و تنش‌ها وایجاد تعادل اجتماعی نقشی نداشته باشد از این رو کارکردگرایی شرکت در مراسم اجتماعی معین و یا بهره گیری از برخی سنت‌ها و پدیده‌های فرهنگی دارای تاثیر انسجام‌بخش و نمودی از همبستگی اجتماعی است. (اسکیدمور، ۱۳۷۲: ۱۴۱) با شرکت در این مراسم و استفاده از چنین پدیده‌های مادی یا معنوی نوعی آرامش روحی و یا تخلیه‌ی بعض‌های اجتماعی حاصل می‌شود. مقبولیت تفال به دیوان حافظ نیز در طول زمان و در جوامع و ادوار مختلف نشان از تاثیر اجتماعی این رسم دارد. بیشتر غزلیات و اشعار حافظ مثبت‌نگر است و این ویژگی در زندگی خوب و

پسندیده است. در روایات نیز به داشتن «حسن ظن نسبت به خدا و دیگران» سفارش شده است.

۴-۲- بہبود روحیه‌ی فردی و اجتماعی:

از منظر جامعه‌شناسی ادبیات، هنر و ادب به مثابه یک عنصر فرهنگی نقش مهمی در تلطیف روان فردی و اجتماعی دارد و می‌تواند روحیه‌ی فردی و اجتماعی را در یک دوره‌ی تیره‌ی اجتماعی بالا ببرد که تا حدی بتواند در برابر جو طاقت شکن سیاسی و اجتماعی تاب آورد و به حیات و موجودیت خویش ادامه دهد.

آنچنان که گفته شد حافظ در دورانی پر حادثه می‌زیسته که هر حادثه تاثیر خاص خود را بر جامعه داشته و اوصاف و حالاتی را در نهاد مردمان بر جا گذاشته است. حافظ در قالبی جامعه‌شناسانه و روانکاوانه با مدد گرفتن از دولت قرآن به علل این حوادث و ویژگی‌های فردی مردمان معطوف شده و آن را در اشعارش منعکس ساخته است که قطعاً این ویژگی‌ها و شرایط در هر زمان و مکان تکرار شدنی است. یکی از دلایل مقبولیت و رواج کلام او نیز همین عامل است؛ زیرا از سویی ساختار و شرایط و ویژگی‌های شعری او بی‌نظیر و نادر است و از سوی دیگر روح اشعار او با روح و ذوق و عواطف ناخودآگاه خوانندگان منطبق و پاسخگوی امیال سرکوفته و آرمان‌های تاریخی آنهاست. «معرفت ملی و جامعه‌ای که حافظ مجسم کرده بطوری جاندار و مطابق با حقیقت آمده که امروز هر که بشنود به اشتباہ افتاده، گمان می‌کند که گوینده یک شاعر زبردست معاصر است و در طول این مدت همین نکته یکی از علل رواج تفال از دیوان او بوده و فی الواقع در میان هیچ یک از ملل متمدن دنیا چنین شاعر شیرین زبانی پیدا نمی‌توان کرد که از ششصد سال قبل راز آحاد و افراد ملتی را در سویدای دلshan خوانده باشد و قلب ایشان را میان دو انگشت خود گرفته هر طوری می‌خواهد بگردداند» (هزیر، ۱۳۸۴: ۲۵). هرچند شعر حافظ فرزند زمان خویش است

اما هر کس که دیوان او را بگشاید غم از خاطرش می‌رود و ناامید و پریشان نمی‌شود.

۴-۳- افزایش نشاط و انرژی مثبت:

حافظ در غزلیاتش بیشتر مثبت‌نگر است که خصیصه‌ای خوب و پسندیده در همه زمانها و مکانها تلقی می‌شود. بی‌تردید این ویژگی در اقبال عمومی به دیوان او و تفال بدان موثر است.

در واقع شعر حافظ پاسخی است به پرسش‌هایی که همواره فرا روی جامعه شناسانی که در حوزه‌ی هنر و ادبیات تحقیق کرده‌اند وجود داشته است؛ این که هنر و ادبیات چگونه بر هنجرها، اعتقادات، ارزش‌ها، شیوه‌های زندگی، تصمیم‌گیری‌های کلان جامعه و نحوه‌ی نگرش به جهان موثر واقع می‌شود و از سوی دیگر تاثیر جامعه بر رشد و تکوین و توسعه هنر ادبیات چگونه است. پاسخ جامعه شناسی هنر و ادبیات به این پرسش‌ها این است که یک اثر هنری و ادبی فرآورده یا تولیدی اجتماعی است یعنی آثار هنری و ادبی نه تنها از کارگزاران اجتماعی تاثیر می‌پذیرند بلکه موجد اثر اجتماعی نیز می‌شوند. اما در رهیافت سنتی، هنر و ادبیات معمولاً پدیده‌ای رمانیک، مرموز و آفریده‌ی سرآمدها و نخبگان است. این رویکرد، هنر و ادبیات را پدیده‌ای برتر از هستی جامعه و زمان می‌شمارد. این پاسخ جامعه‌شناسی در شعر حافظ تجلی و نمود می‌یابد.

۴-۴- کاهش و تسکین آشفتگی‌های روحی و اختلافات جمعی:

ادبیات به مثابه یک عنصر فرهنگی نقش مهمی در بازسازی آشفتگی‌های روحی و عاطفی و تلطیف روان انسانها ایفا می‌کند. در این میان مراجعه به دیوان حافظ و مطالعه آن از مواردی است که تاثیراتش نه تنها قابل لمس بلکه حتی قابل سنجش است. کافی است به نحوه‌ی برخورد مردم با این دیوان، عادت به استفاده از آن در جمع و خلوت و نیز زمان و شرایط رجوع به آن اندکی دقت کنیم.

معمولاً هنگامی مردم به دیوان حافظ روی می‌آورند که تنشی درون آنها را نا‌آرام می‌سازد و دلشوره یا دلوپسی از چیزی بی‌قرارشان می‌کند و یا خود را در چنگال یاس و نامیدی می‌بینند و یا هنگامی که در جمعی اختلاف رای و عقیده راه به سوی تنش و کشاکش می‌گشاید که در این مورد به پیشنهاد یک نفر دیوان حافظ گشوده می‌شود تا هم حرف آخر از زبان او شنیده شود و هم نقطه‌ی پایانی خوش باشد. آری چنین نیست که همیشه هر کس هر نیتی بکند غزل موافق با واقع پدید آید و اگر پیشگویی کرده باشد چنان شود و یا دستوری که دهد به نفع شخص باشد. تجربه‌ی این مطلب آسان است و محتاج به استدلال نیست ولی امری که هست آن است که این کتاب بیش از همه‌ی کتب در این امور موافقت نشان می‌دهد و به قدری مطالب غزلیات منبسط و وسیع است که هر غزل را می‌توان منطبق بر هزار مقصود و منظور کرد و از آن رو هر کس مقصود خویش را به بیانی وافی در آن می‌یابد و حتی گاهی اسامی اشخاص نیز پدیدار می‌شود که طالب اشارت انگشت تحریر به دندان خواهد گزید «معین، ۱۳۷۰، ج ۲: ۶۹۵».

۴-۴- آینده‌نگری (پیشگویی):

ممکن است بسیاری از ما حالت‌های روحی و حرکات ویژه‌ای را که افراد در هنگام زیارت مقبره‌ی حافظ و تفأله به دیوان او دارند مشاهده کرده باشیم؛ حالت روحی خاصی که از نوعی تسلی‌خواهی، آرامش‌طلبی و چاره‌جویی برای شنیدن سخنان امیدبخش از زبان حافظ حکایت دارد. در باور عامه حافظ از نیت و نیاز همه خبر دارد. «لسان‌الغیب بودنش هم نه بدان معنی است که از عالم دیگر و ماورای طبیعت خبر داشته و برای مردم روی زمین خبر می‌آورده بلکه بدان معنی است که از غیب دل‌ها و نهانی‌های روان آدمی‌آگاه بوده و از دیدنی‌ها و شنیدنی‌های خود به رازهایی پی‌می‌برده که دیگران آنها را نمی‌دیده و نمی‌شنیده‌اند. مهم‌تر از این بر زبانی

بلیغ و سخنانی جامع و بدیع چیره بوده که می‌توانسته اندیشه‌ها و مکنونات ضمیر خود را چنان بیان کند که هر کس پندارد از دل او خبر می‌دهد و راز او را بر زبان می‌آورد» (سمیعی، ۱۳۶۱: ۳۲۲).

حافظشناس معاصر به‌الدین خرمشاهی ضمن این که معتقد است بعضی از فال‌های حافظ راهبردی حقیقت است، این ویژگی را عطیه‌ای می‌داند که خداوند به انسانی پاکدل، هنرمند، حافظ قرآن و قرآن‌شناس مقری مثل حافظ عنایت کرده است. آنگاه در تایید نظرات خود می‌نویسد: «شعر حافظ کثیر الاصلاح است. پر مضمون است، سرشار از شادی و امید و نومیدی و دو پهلو و کلی گرایانه و تاویل‌پذیر و پر مضمون است و از همه چیز حرف می‌زند؛ از مسائل به اصطلاح دلخواه انسان‌ها حرف می‌زند از معنویات گرفته تا مادیات...» (خرمشاهی، ۱۳۸۳: ۳۷).

۴-۵- کارکرد مشاوره‌ای:

شاید بتوان از دیدگاه روانشناسی اجتماعی نقش تفال به دیوان حافظ را با نقش مراکز مشاوره‌های روانی- عاطفی که امروزه به صورت گسترده به مردم خدمات می‌دهند مقایسه کرد. افراد پس از خواندن غزلی به نوعی احساس تسکین می‌کنند و یاس و حرمان جای خود را به امید و قوت قلب می‌دهد و در نتیجه آرامش درونی حاصل می‌شود. حافظ خود در اوح نامیدی چنین می‌سراید :

هر چند کان آرام دل دانم نبخشد کام دل نقش خیالی می‌کشم فال دوامی می‌زنم
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۴۴)

«معمولًا تنوعی که در **مضمونها**، اشاره‌ها و نماده (سمبل‌ها) و کلمه‌های غزل حافظ وجود دارد علاقه-مند به فال را بی نصیب نمی‌گذارد. گاهی مضمون و اشاره چنان با نیت و آرزوی صاحب فال هم‌آهنگ جلوه می‌کند و غزل وصف الحال می‌آید که صاحب فال به اصطلاح جواب فال خود را می‌گیرد و آرامش می‌یابد» (روح الامینی، ۱۳۶۹: ۵۲)

و آنچنان که حافظ خود می‌گوید:

بود که قرعه دولت به نام ما افتاد
به نام____یدی از این در مرو بزن فالی
(حافظ، ۱۳۷۰: ۱۲۶)

با توجه به همین تاثیر روانی فال است که در احادیث به آن توصیه شده است.
پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «من رجعته الطیره عن حاجته فقد اشترک». هر کس که
فال بد، او را از انجام کارش باز دارد شرک ورزیده است (قرطبی، ۱۴۱۷، ج ۷: ۷۰).
و علی (ع) فرموده است: «و الفَالُ حَقٌّ، و الطِّيرَهُ لِيَسْتَ بِحَقٍّ» (نهج البلاغه: ۴۰۰).
در جریان برخورد مسلمانان با کفار مکه هنگامی که سهیل بن عمرو، به عنوان نماینده
کفار به سراغ پیامبر آمد و حضرت از نام او آگاه گردید، فرمود: قد سهل عليکم
امر کم؛ یعنی از نام سهیل من تفال می‌زنم که کار بر شما سهل و آسان می‌گردد.
(میبدی، ۱۳۶۱، ج ۶: ۳۱۷) و بر همین اساس حافظ می‌گوید:

چرا که حال نکو در قفای فال نکوست
رخ تو در نظر آمد مراد خواهم یافت
(حافظ، ۱۳۷۰: ۶۵)

ای نو بهار ما رخ فرخنده فال تو
برخاست بوى گل ز در آشتى درآى
(همان: ۱۵۳)

مژده دادند که بر ما گذری خواهی کرد
نیت خیر مگردان که مبارک حالیست
(همان: ۱۶۲)

بدیهی است که «مدح فال نه از آن کرده‌اند که از او غیب بدانند لکن از آن کرده‌اند
که در او حسن ظن است به خدای تعالی و خدای می‌گوید: "انا عند ظن عبدی بي".
پس اگر مردی همواره فال نیک زند اگر راست آید فبها و نعمت و اگر در جهت امید به
غلط افتاد باری در اصل رجای به خدای تعالی مصیب بود» (یواقیت العلوم، ۱۳۴۵: ۳۶۸).
بدین ترتیب روشن می‌شود که تفال به دیوان حافظ به عنوان یک رفتار خاص

اجتماعی تلقی می‌شود و به منزله‌ی راه گریزی در برابر استرس‌ها و فشارهای وارد بر روح و جسم افراد است؛ زیرا در غلبه به فشارهای روحی و جسمی، اندوخته‌ها و امکانات و نهادهایی که ریشه در قرن‌ها زندگی مادی و معنوی و سنن و آداب ناشی از آن دارند قطعاً بی تاثیر نیستند. انسان‌ها به شکل تجربی یاد گرفته‌اند که با کسی درد دل کنند و غمگساری چون حافظ داشته باشند تا با سخنانش خاطرشان تسلی یابد. این امر از نظر مکانیسم‌های اجتماعی و روانشناسی فردی بسیار مهم و اعجاب برانگیز است و اهمیت عوامل و اهرمهای اجتماعی، فرهنگی را در تقویت امکانات مردم برای مقابله با هیجان‌های مضر و تنش‌های روحی- روانی نشان می‌دهد.

۵- نتیجه‌گیری:

انسان به عنوان موجودی اجتماعی است که در جامعه زندگی می‌کند و بدان نیازمند است، از آن متأثر می‌شود و بر آن تأثیر می‌گذارد و بالاخره آثار و پدیده‌هایی خلق می‌کند که می‌تواند در تنگناها و گرفتاری‌ها تکیه‌گاهش باشد. او نمی‌تواند خود را از امکانات برخاسته از باورها و آداب و رسوم مردمی و مدد گرفتن از عوامل فرهنگی، اجتماعی موثر در تنظیم و تعامل روانی- اجتماعی انسان‌ها بی‌نیاز بداند. نقش این گونه عوامل که در این مجال تفأل به دیوان حافظ به مثابه نمونه‌ای از آن مطرح گردید در تأمین سلامت روانی افراد جامعه بی‌شك موثر است

منابع

۱. نهج البلاغه. (۱۳۷۲). ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
 ۲. اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه شناسی، ترجمه محمد علی حاضری، تهران: نشر سفیر.
 ۳. پوینده، محمد جعفر. (۱۳۷۷). درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات، تهران: نقش جهان.
 ۴. حافظ، شمس الدین محمد. (۱۳۷۰). دیوان، تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: پژوهش.
 ۵. خاقانی شروانی، افضل الدین. (۱۳۸۲). دیوان، تصحیح ضیاالدین سجادی، تهران: زوار.
 ۶. خرمشاھی، بھالدین. (۱۳۸۳). حافظ حافظه ماست، تهران: قطره.
 ۷. روح الامینی، محمود. (۱۳۶۹). باورهای عامیانه درباره فال حافظ، تهران: پاژنگ.
 ۸. ریتزر، جورج (۱۳۷۴) نظریه جامعه-شناسی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
 ۹. زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). از کوچه رندان، تهران: سخن.
 ۱۰. سمیعی، کیوان. (۱۳۶۱). تحقیقات ادبی، تهران: زوار.
 ۱۱. ———. (۱۳۶۷). مجموعه مقالات حافظشناسی، گردآوری سعید نیاز کرمانی، تهران: پاژنگ.
 ۱۲. سنتایی، ابوالمجد مجدد بن آدم. (۱۳۷۷). حدیقه‌الحقيقة و شریعه‌الطريقه، تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۳. شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۶). زمینه‌های اجتماعی شعر فارسی، تهران: اختران.
 ۱۴. عنصری، ابوالقاسم. (۱۳۴۱). دیوان، تصحیح یحیی قریب، تهران: انتشارات بانک بازرگانی.
 ۱۵. فاضلی، نعمت الله. (۱۳۷۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۷ و ۸.
 ۱۶. فرخی سیستانی، ابوالحسن علی بن جولوغ. (۱۳۴۵). دیوان، تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران: اقبال.
 ۱۷. فروند، ژولین (۱۳۶۲) آراء و نظریه‌ها در علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان،

- تهران : نشر دانشگاهی.
۱۸. القرطبي، محمد بن احمد الانصارى (۱۴۱۷). الجامع لاحكام القرآن، لبنان، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ پنجم.
 ۱۹. قطران تبريزی، ابو منصور. (۱۳۶۲). دیوان، تصحیح محمد نخجوانی، تهران: ققنوس.
 ۲۰. گلدمان، لوسین. (۱۳۷۶). جامعه، فرهنگ، ادبیات، ترجمه محمد پوینده، تهران: نشر چشمہ.
 ۲۱. معزی، محمد بن عبدالملک. (۱۳۶۲). دیوان، تصحیح ناصر هیری، تهران: مرزبان.
 ۲۲. معین محمد. (۱۳۷۰). حافظ شیرین سخن، تهران : معین.
 ۲۳. مبیدی، رشیدالدین فضل الله. (۱۳۶۱). کشف الاسرار و عده الابرار، تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر.
 ۲۴. نظامی گنجوی. (۱۳۷۸). کلیات، تصحیح وحید دستگردی، تهران : بهزاد.
 ۲۵. نجفی، محمد حسن. (بی‌تا). جواهر الكلام فی شرایع الاسلام، تصحیح عباس قوچانی و علی آخوندی، بيروت: دار احیاء التراث العربي، چ هفتمن.
 ۲۶. وجданی محمد. (۱۳۵۱). الهاماتی از خواجه حافظ، تهران : حیدری.
 ۲۷. وحیدا، فریدون. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی در ادبیات، تهران : سمت.
 ۲۸. هژیر، عبدالحسین. (۱۳۸۴). حافظ تشریح، تهران: اساطیر.
 ۲۹. بی‌نام. (۱۳۴۵). یواقیت‌العلوم، تصحیح محمد تقی دانش پژوه، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.